

وسطی را باید انتخاب کرد و نسبت به کتابخانه‌ها می‌توان از ظرفیتهای موجود حداکثر استفاده را برد و راه دیگر اینکه با ایجاد تنوع و اجرای طرحهای پرجاذبه کتابخانه‌های سیار را تشکیل داد و این پیوند را هر چه بیشتر استحکام بخشید.

دکتر عباس حرّی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

### — به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— اجازه بدهید ابتدا دو اصطلاح کلیدی در ترکیب «کتابخانه عمومی» را بشکافیم، شاید برای ادامه گفت‌وگو مفید باشد و بدانیم که درباره چه چیز صحبت می‌کنیم. این دو اصطلاح کلیدی یکی «کتاب» است و دیگری صفت «عمومی».

کتاب را من در معنای واقعی‌اش می‌بینم. اگرچه این معنای واقعی به تناسب امکانات و محدودیتهای دوره‌های تاریخی با الفاظ متفاوتی بیان شده است، لیکن اگر آن را توسعه‌آ به معنای هرگونه مطلبی که بر محملی ضبط شده باشد بپذیریم، درمی‌یابیم که کتاب در تمام دوره‌های تمدن بشر وجود داشته است. از تصاویر دیواره‌غارها که متعلق به عهد غارنشینی است تا آخرین پدیده‌های الکترونیکی امروز. معنای کتاب را نه صورت ظاهر، نه تعداد اوراق، نه محیل، نه نوع نمادها و سمبلیایی که برای ضبط و ارائه اندیشه‌ها به کار می‌رود، نه ادواری بودن و غیرادواری بودن، هیچ‌یک محدود نمی‌کند. بنابراین، کتابخانه محلّ نگهداری و عرضه کلبه صورتیهای نگهداری و عرضه هنر و دانش و اطلاعات است. اگر هم محدودیتی هست چارچوب آن را گرایشهای خاصّ ناشی از ویژگیهای مخاطبان پیش‌بینی شده تعیین می‌کند.

صفت «عمومی» در ترکیب کتابخانه عمومی در واقع برای مقابله با هرگونه قیدی است که سبب می‌شود کتابخانه‌های مقید دیگری (از جمله تخصصی، آموزشگاهی، دانشگاهی) برای استفاده از مجموعه خود لحاظ کنند. کتابخانه عمومی هیچ مانعی — اعمّ از نژادی، قومی، زبانی، دینی، جنسی، سنی، ملیتی، طبقاتی، فرهنگی، تحصیلاتی، و... را نمی‌پذیرد. مروری بر همین صفاتی که برشمردیم و تعمق در آنها نشان می‌دهد که کتابخانه عمومی مطلوب باید چه قدر مایه بگذارد تا بتواند چنین گستره‌ای را پاسخگو باشد.

ممکن است هم‌اکنون این سؤال به ذهن شما برسد که «پس کتابخانه عمومی باید جامع مجموعه تمام کتابخانه‌های دیگر باشد تا بتوان به آن اطلاق عمومی کرد». البته چنین چیزی نیست. هیچ کتابخانه‌ای در دنیا — چه عمومی و چه غیرعمومی — نمی‌تواند مدّعی باشد که چنین مجموعه‌ای را در محلی واحد گرد آورده است. اما خدمات در کتابخانه‌های عمومی همیشه آن

نیست که آنچه را جوینده می‌طلبند در محل داشته باشیم. نوعی دیگر از خدمات آن است که به جوینده اطلاع دهیم آنچه می‌طلبند در کجا می‌تواند بیابد. در اینجا است که کتابخانه عمومی با سایر کتابخانه‌ها و نیز مراکز و نهادهای مختلف علمی و فرهنگی پیوندی تنگاتنگ پیدا می‌کند.

حال ببینیم با توجه به توصیف این دو عنصر، کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد. کتابخانه عمومی موظف به ارائه خدمات به جامعه‌ای است که برایش تعریف شده است. این جامعه را می‌توان به دو زیرمجموعه تقسیم کرد: یکی جامعه بالفعل و دیگری جامعه بالقوه.

جامعه بالفعل ناظر بر کسانی است که فی الواقع به کتابخانه مراجعه می‌کنند و کتابخانه نیز به تناسب خدماتی را به آنها ارائه می‌کند. این جامعه معمولاً نسبت ناچیزی از کلّ جامعه را به خود اختصاص می‌دهد، که البته این امر دلایل مختلفی دارد.

جامعه بالقوه در واقع کسانی هستند که در سیاستگذاری ایجاد یا گسترش کتابخانه ملحوظ شده‌اند. به عنوان مثال در آیین‌نامه کتابخانه‌های عمومی کشور آمده است که: «کلیه افراد هر شهر

● توسعه فرهنگی در واقع رشد آگاهیهها، قابلیت‌ها، و امکانات یک قوم در برآوردن نیازهای معنوی و مادی است.

● کتابخانه عمومی را نباید آبان‌دیس جامعه تلقی کرد که بود و نبودش تأثیری در جریان عادی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ندارد.

می‌توانند از کتابخانه‌های عمومی آن شهر... استفاده کنند». بنابراین، جامعه بالقوه کتابخانه، در هر نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا اصل در برنامه‌ریزی بر جامعه بالقوه است. جامعه بالفعل نیز در واقع بخشی از جامعه بالقوه است که فعلیت یافته است.

بنابراین، رسالت کتابخانه عمومی ارائه خدمات مناسب به جامعه است، حتی اگر این جامعه عملاً به کتابخانه رجوع نکند. به همین دلیل است که گفته می‌شود کتابخانه عمومی نهادی فعال است نه متفعل؛ یعنی باید به سوی جامعه حرکت کند، نه آنکه منتظر بماند تا عناصری از جامعه به آن رجوع کنند. سخن از راه یافتن کتابخانه عمومی به خانه‌ها — از طریق تکنولوژیهای خانگی نظیر تلویزیون — طرح مسأله کتابخانه‌های پستی، کتابخانه‌های سیار و جز آن ناظر بر همین صفت «فعال» بودن کتابخانه عمومی است.

بحث استفاده از فیلم، نمایش، شب شعر، جلسات سخنرانی،



دوره‌های آموزشی مختلف نظیر گلسازی، نقاشی، خطاطی، و امثال آن نیز ایجاد مجراهای بیشتر و متنوع‌تر برای بالا بردن احتمال استفاده از کتابخانه و یافتن و پروردن استعداد های نهفته جامعه است.

### — برای توسعه فرهنگی چه تعریفی دارید؟

— اگر فرهنگ را به مجموعه آداب و رسوم، هنرها، باورها، معارف، دستاوردهای مادی و کلاً شیوه زندگی و تفکر یک قوم یا جامعه اطلاق کنیم، پدیده‌ای پویاست. یعنی شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی زمان و مکان بر آن اثر می‌گذارد، عناصری از آن حذف می‌شود، عناصری به آن افزوده می‌گردد، یا عناصر موجود مورد تعبیر و تفسیر جدید قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، می‌توان چنین تعبیر کرد که توسعه فرهنگی در واقع رشد آگاهانه، قابلیت‌ها، و امکانات یک قوم در برآوردن نیازهای معنوی و مادی است. به طور مثال، شناخت یک قوم از محیط زندگی، اطلاع از چگونگی مقابله با تسلط طبیعت بر حیات اجتماعی، یا تصحیح و تعدیل روابط اقتصادی، حذف روابط نادرست اجتماعی، و بهبود و رشد عناصر مثبت جملگی از مقوله توسعه فرهنگی است.

### — آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟

#### اگر دارد آن نقش چیست و چگونه متجلی می‌شود؟

— در مورد سؤال اول باید عرض کنم که یقیناً پاسخ مثبت است. حتی آیین‌نامه کتابخانه‌های عمومی کشور، این کتابخانه‌ها را «موظف به امر پیشرفت فرهنگی» می‌داند. اما اینکه این نقش چیست و چگونه جلوه گر می‌شود نیاز به کمی بحث دارد.

این نقش را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار داد که بنده به نقش اقتصادی، نقش آموزشی، و نقش اجتماعی آن اجمالاً اشاره می‌کنم. البته این جنبه‌ها از لحاظ مفهومی در یکدیگر تداخل دارند، ولی برای طرح مسأله ناگزیر باید از اصطلاحات استفاده کنیم و بگذاریم دامنه آنها ضمن بحث مشخص شود.

نقش اقتصادی کتابخانه عمومی از دو جهت اقتصاد کلان و اقتصاد خرد قابل مطالعه است. از لحاظ اقتصاد کلان، کتابهایی که به کتابخانه عمومی راه می‌یابند یا در داخل کشور نشر پیدا می‌کنند یا عیناً از خارج تهیه و دریافت می‌شوند. در نوع اول عمده مواد خام و تجهیزات و در نوع دوم کل کتاب تولید شده از خارج وارد می‌شود. یعنی به ازاء آنها ارز صادر می‌گردد. هرگاه نسخه‌هایی از کتابها در کتابخانه‌ها — از جمله کتابخانه‌های عمومی — موجود باشد افراد متعدد از آن نسخه‌های معدود استفاده می‌کنند و به جای آنکه هر فردی ناگزیر باشد نسخه‌ای از آن را برای استفاده شخصی تهیه کند، از نسخه‌های کتابخانه — مشترکاً با سایر افراد — استفاده می‌کند. این کار طبعاً نیاز به برنامه‌ریزی

دقیق هم در زمینه سیاستگذاری چاپ و نشر و هم در زمینه تعیین سیاست مجموعه‌سازی کتابخانه‌ها، یا ارائه خدمات دارد.

اما از لحاظ اقتصاد خرد، کتابخانه عمومی مدرسان اقتصاد خانواده است. اگر کتابخانه عمومی نتواند متون مورد نیاز جامعه استفاده کننده را فراهم آورد، و اعضای آن جامعه ناگزیر باشند خود رأساً به خرید کتابهای مورد نیاز بپردازند، بخش عمده‌ای از درآمد خود را می‌بایست صرف خرید کتاب کنند. این بدان معناست که باید از سایر هزینه‌های ضروری خود و خانواده

### ● تعمیق و توسعه فرهنگی نیاز به برداشتن گامهای جدی و سرمایه‌گذاریهایی جدیتر دارد.

### ● طلب جدی مسئولیت از کتابخانه عمومی ملازم با جدی گرفتن کتابخانه عمومی است.

بکاهند، و این به صورت مستمر مقدور نیست. حتی اگر این بخش از کار امکان‌پذیر باشد، داشتن کتابخانه شخصی که مستمراً نیز بر حجم آن افزوده می‌شود، خصوصاً در شهرهای بزرگ که مسأله جا و فضای زندگی بسیار محدود و گران‌قیمت است، مقدور نیست، و به سرعت تبدیل به «وبال» می‌شود!

اگر کتابخانه عمومی به دلیل وظیفه و رسالتش این مهم را برعهده گیرد و به شیوه‌ای مطلوب نیز ارائه خدمت کند، کمتر فردی تلاش خواهد کرد که شبیه همان مجموعه را نیز به صورت کتابخانه شخصی نگهداری کند. این وضع را اگر به صورت حاصل ضرب کتب منتشره در تعداد اهل کتاب در نظر بگیریم، اثر اقتصادی سهلتر درک خواهد شد.

حال بیاییم چنین فرض کنیم که نه کتابخانه عمومی به وظیفه‌اش عمل کند و نه اعضای جامعه قادر باشند مستمراً بخشی از درآمد خود را صرف خرید کتابهای منتشر شده مورد نظر خود کنند. چه پیش خواهد آمد؟

استمرار این وضع سبب خواهد شد که صاحبان اندیشه با مخاطبان خود تماس برقرار نکنند، تعاطی افکاری صورت نگیرد، اندیشه‌های نو دریافت نشود، و رکود علمی و فرهنگی بر جامعه حاکم گردد. بازتاب این رکود، «افت فرهنگی» است؛ یعنی دور شدن از ارزشهای اصیل فرهنگی که به طور جدی و منطقی در متون مورد بحث قرار می‌گیرد، و پذیرا شدن «شبه‌فرهنگ» خارجی که به طور سطحی — و نه از طریق طرح جدی در متون — از مجراهای دیگر ارائه می‌شود.

بنابراین، کتابخانه عمومی را نباید آبان‌دیس جامعه تلقی کرد که بود و نبودش تأثیری در جریان عادی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ندارد. این تأثیر البته با تأثیر روزمره مثلاً نانواپی و

منفرداً به آن رجوع می‌کنند، و خواست و نیاز هریک ممکن است با دیگری بسیار متفاوت باشد. رسالت کتابخانه عمومی هم قالب‌سازی نیست، بلکه کشف و ارتقاء استعدادهای فردی است تا همراه با سایر استعدادها، هیأت اجتماعی هنر، اندیشه، علم و فرهنگ جامعه را شکل بخشند.

نقش اجتماعی کتابخانه عمومی را می‌توان در سالم‌سازی محیط فرهنگی جست‌وجو کرد. افراد جامعه به تناسب شغل، سن، جنسیت، و سایر عوامل، اوقاتی آزاد و غیرموظف دارند که تحت عنوان «اوقات فراغت» از آن یاد می‌شود. جاذبه‌های گوناگونی در جامعه هست که می‌کوشد این اوقات را کلاً به خود اختصاص دهد. می‌توان به وفور به این جاذبه‌ها اشاره کرد. از تئاتر و سینما گرفته تا خیابان‌گردی، پارک‌نشینی، و امثال آن که نوع بالنسبه سالم آن است تا تن دادن به برخی مفاسد که سوداگران پیوسته برآن دامن می‌زنند تا افراد بیشتری را به دام بکشند.

هرچه این جاذبه‌ها متنوعتر، رنگارنگ‌تر، و دلنوازتر باشد، مسئولیت و گرفتاری کتابخانه عمومی بیشتر است. چون در این عرصه رقابت، اندرز و نصیحت کارساز نیست؛ از بی‌فرهنگی و سطحی‌نگری و بی‌سلیقگی افراد جامعه شکوه کردن هم راه به جایی نمی‌برد. سخن بر سر رقابت است. باید در بافت کتابخانه عمومی جاذبه‌هایی پدید آورد تا در عین سالم بودن بتوان بر جاذبه‌های کاذب و بی‌ریشه‌ای که گوشه گوشه جامعه را پر کرده است فائق آمد.

بدیهی است که ظراحی و اجرای این گونه برنامه‌ها نیازمند مطالعه و سرمایه‌گذاری جدی است؛ و به این حقیقت هم باید تن داد که تعمیق و توسعه فرهنگی نیاز به برداشتن گامهای جدی و سرمایه‌گذاری جدی‌تر دارد.

بنابراین، جلوه‌های فعال یا منفعل بودن کتابخانه عمومی را باید در جریانهای علمی، فعالیتهای آموزشی، ارزشگذاریهای فرهنگی، و نگرشهای اجتماعی افراد و کل جامعه جست‌وجو کرد. و چون آثار این جریانها به سرعت و در کوتاه‌مدت ظاهر

خوار و بارفروشی متفاوت است، اما نباید تنها تا نوک بینی را دید. کند بودن تأثیر به معنای نبودن تأثیر نیست. باید نگاهی تیز داشت و دوردستها را دید و آن وقت به قضاوت نشست.

و اما نقش آموزشی کتابخانه عمومی را باید در قیاس با نظام آموزش رسمی جامعه بررسی کرد. آموزش رسمی دو جنبه دارد؛ یک جنبه ماهوی که خاص جامعه ما نیست، و دیگری نظام مرسوم در جامعه ما. از لحاظ ماهوی، طبیعت آموزش رسمی اساساً قالب‌سازی است. یعنی افرادی با ویژگیهای تعریف شده وارد آن می‌شوند، ناگزیر باید انتظارات نظام آموزشی را برآورند، و طبیعتاً شرایطی متساویاً از آن خارج شوند. هرکس با این ساختار انطباق نیابد، شایسته دریافت مجوز خروج نیست. بنابراین، در نظام رسمی آموزشی، بیش از آنکه استعدادها و علائق فردی مد نظر باشد، قابلیت انطباق مورد نظر است. هرکه انطباق‌پذیرتر شایسته‌تر!

از لحاظ نظام مرسوم جامعه ما، آموزش رسمی در چارچوب متونی بسته‌بندی شده تعریف و تبیین شده و سعی بر آن بوده است که کلیه اطلاعات و دانش پیش‌بینی شده برای آموزشگیران در متون درسی بیاید و آنان را از مراجعه به سایر متون بی‌نیاز سازد. ارزشگذاریهای یادگیری، پیشرفت تحصیلی، آزمونهای مختلف داخلی، نهایی، و ورودی نیز همه و همه بر همین مبنا صورت می‌گیرد، و طبیعتاً آموزشگیران نیز زمانی موفق‌تر خواهند بود که آن بسته‌بندیها را به بهترین شکل در ذهن آموزشگیران «جاسازی» کنند.

خوب، در این تب و تاب آموزش رسمی، رشد استعدادهای فردی چه جایگاهی دارد؟ بدیهی است که کتابخانه‌ها — خصوصاً کتابخانه‌های عمومی — که نظر بر علائق فردی دارند، رسالتی بس عظیم خواهند داشت. اگر این نهادها هم نتوانند ذوق و قریحه فردی اعضای جامعه را بشناسند و پرورش دهند، دیگر امید چندانی به آینده علمی، فنی، و هنری آن جامعه نمی‌توان بست.

کتابخانه عمومی گرچه با جامعه روبه‌روست، اما برخوردش با یکایک اعضای آن جامعه است که نه به صورت جمعی، بلکه





دیگری را نیز می‌توان برشمرد. اما آنچه مسلم است توسعه فرهنگی بدون در نظر گرفتن این مقدمات — که شرط لازم توسعه است — هرگز تحقق نخواهد یافت.

محمود حقیقی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی بر عهده دارد؟

— شاید هیچ یک از نهادهای اجتماعی به اندازه یک کتابخانه عمومی پویا و کارآمد و غنی نتواند برای جامعه با صرف هزینه‌ای اندک منشأ خیریه عظیم باشد. از طریق دسترسی آزاد عموم مردم به منابع و امکانات این کتابخانه، افکار و رفتار و دستاوردهای انسان به صورتی مدون در میان توده‌های وسیعتری منتشر می‌شود، و بدین ترتیب مبانی فرهنگ و معرفت و شرافت و تقوا رواج گسترده‌تری می‌یابد. در کتابخانه عمومی فرصت خودآموزی در اختیار اقشار مختلف و علاقه‌مندان به یادگیری و فرصت تحقیق در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. هم خواننده عادی و هم پژوهشگر اندیشمند هر دو با بهره‌گیری از آخرین اطلاعات علمی و فنی و ادبی موجود در کتابخانه می‌توانند نیازهای حرفه‌ای، علمی، فنی و تفریحی خود را برآورده سازند. اقشار مختلف علاوه بر مطالعه منابع دلخواه با وظایف اجتماعی خود و با وقایعی که در جهان پیرامون آنها در جریان است آشنا می‌شوند. در جامعه برخوردار از خدمات کتابخانه عمومی تربیت و آگاهی و آموزش دایمی توده مردم که مهمترین وسیله تضمین بقای آزادی و دموکراسی به شمار می‌روند به آسانی تحقق می‌یابد. گذران اوقات فراغت در کتابخانه عمومی نتایج اخلاقی و تربیتی فراوانی به دنبال دارد و مانع از آن می‌شود که افراد جامعه به سرگرمیهای بپردازند که برای پرورش روان آنها زیان‌آور باشد، و این امر خود در کاهش تبهکاریها و جلوگیری از بروز پلیدیها و خشونتها بسیار مؤثر خواهد بود. به عبارت دیگر ایجاد و توسعه کتابخانه‌های عمومی عاملی مؤثر برای تقابل با مفاسد اجتماعی محسوب می‌شود.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— توسعه فرهنگی عبارت است از تلاش در جهت کسب عناصر مترقی فرهنگ بشری، اعتدالی فضایل اخلاقی، فکری، دینی، عاطفی، شکوفایی هنرها، علوم و فنون، و به طور کلی غنی‌تر کردن ارزشهای انسانی و میراث فرهنگی، به منظور بارور کردن حیات مادی و معنوی جامعه و دستیابی به طرحی نو برای زندگانی متناسب با منزلت انسانی.

— آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟

نمی‌شود، این تصور پیش می‌آید که کتابخانه عمومی تأثیری نهادین بر جامعه ندارد. خصوصاً اگر جامعه مصرف‌کننده سر به راه یافته‌های آموزشی و فرهنگی بیگانه باشد. این چنین مصرف‌زدگی جای دلواپسی برای نداشتن یا ضعف کتابخانه عمومی باقی نمی‌گذارد. گرچه بین آن ضعف و این مصرف‌زدگی نوعی رابطه علت و معلولی نیز وجود دارد.

— چه پیشنهادی برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی دارید؟

— با توجه به آنچه گذشت، در واقع چه بخواهیم و چه نخواهیم میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی پیوند وجود دارد، اما برای آنکه این پیوند در جهت مثبت باشد، می‌توان چند مورد را پیشنهاد کرد:

- الف. نخست باید سیاست فرهنگی جامعه به صورتی جدی و واقع‌بینانه تبیین و مسیر توسعه فرهنگی ترسیم شود. چنین حرکتی — یعنی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی — چیزی نیست که تابع سلايق فردی باشد. باید با توجه به جمیع جهات اجتماعی، علمی، آموزشی، و اقتصادی مطالعه، طراحی، و عرضه گردد.
- ب. سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه کتابخانه‌های عمومی به عنوان نهادهایی که حضور واقعی شان در عرصه اجتماعی و فرهنگی می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد صورت گیرد. کتابخانه عمومی کودک سراهی نیست که وازده‌ترین اماکن و فضاها را — آن گونه که در برخی شهرهای ما مشاهده می‌شود — به آن صدقه بدهند و تنها به عنوان یک «عنصر آماری» از آن استفاده کنند. طلب جدی مسؤولیت از کتابخانه عمومی ملازم با جدی گرفتن کتابخانه عمومی است.
- ج. برخلاف تصور مرسوم، کتابخانه عمومی باید دارای نیروی انسانی مجرب و آموزش‌دیده، و قادر به ایجاد رابطه انسانی با

### ● کتابخانه عمومی مرکزی «فرهنگی» است، و طبعاً کتابداران آن نیز می‌بایست «فرهنگیان» باشند.

آحاد جامعه، و صاحب اطلاع از برخی دانشهای اجتماعی باشد. کتابداری کتابخانه عمومی پایین‌ترین «اشل» کتابداری نیست. کتابخانه عمومی مرکزی «فرهنگی» است، و طبعاً کتابداران آن نیز می‌بایست «فرهنگیان» باشند. بنابراین، تجدیدنظر در انتخاب و ارتقاء نیروی انسانی برای این گونه کتابخانه‌ها امری ضروری است.

د. مطالعه فرهنگ بومی هر منطقه و محلّ برای ایجاد یا گسترش کتابخانه عمومی آن محلّ، شرط مقدماتی است. باید کتابخانه هر محلّ تجلّی عینی فرهنگ آن محلّ باشد. موارد متعدّد